

چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۰-۲۰۰۲)

دکتر اردشیر سنایی*

چکیده

ترکیه نخستین کشور مسلمان خاورمیانه است که در سال ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک با آن کشور برقرار کرد. از روابط ترکیه و اسرائیل، همواره به عنوان یک رابطه استراتژیک نام برده می‌شود. روابط این دو کشور، یک رابطه عمیق است که با وجود تغییرات سیاسی در ترکیه و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه همچنان ادامه یافت. حزب عدالت و توسعه ترکیه که از بقایای حزب منحل شده فضیلت، تشکیل شد و در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ ترکیه، به قدرت رسید در واقع نسل تازه ای از اسلامگرایان به رهبری رجب طیب اردوغان هستند که هم روابط نزدیک تری با اسرائیل برقرار ساخته و هم حضور ترکیه در اتحادیه اروپا را متحمل تر ساختند. با آنکه رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه شخصیت های اسلام گرا بودند مناسبات دوستانه آن کشور با اسرائیل به طور فزاینده ای مستحکم تر شده و همکاری های بین دو کشور گسترش یافت.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران
این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۱۶/۵۷۸/ب مورخ ۸۹/۶/۲۸ ارائه شده به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب می باشد.

در واقع تسخیر پست ریاست جمهوری و پیروزی مجدد در انتخابات پارلمانی توسط اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه، به معنای تحولی اساسی در سیاست خارجی ترکیه نبود. اسلام‌گرایان درصدد بودند روابط خود را با غرب به خوبی حفظ نمایند و در عین حال روابط خود با جهان اسلام و مجموعه شرق را نیز گسترش دهند. در این میان روابط ترکیه و اسرائیل نیز در قالب سیاست خارجی و استراتژی کلان ترکیه برای ایفای نقش فعال و مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نگریسته شده و در چارچوب منافع ملی ترکیه گسترش یافت.

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه را چگونه و از چه منظر تحلیلی - تئوریک می‌توان تبیین نمود؟

واژگان کلیدی: ترکیه، اسرائیل، روابط خارجی، حزب عدالت و توسعه،

نظریه سیستم‌ها

مقدمه

در سال ۱۹۴۹ ترکیه نخستین کشور جهان اسلام بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. نخستین رشته های پیوند ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۵۲ برقرار شد؛ هنگامی که قرار داد تبادل اطلاعات میان دو دولت به امضا رسید، رشد سالانه حجم داد و ستدهای تجاری و همکاریهای نظامی، روابط آنکارا - تل آویو را توسعه داد، اما این روابط در ابتدا حالت مخفیانه داشت. این نوع روابط بیشتر به درخواست ترکیه بود، چرا که از ایجاد گرایش های ضد ترکی در جهان عرب هراس داشت. فصل سرد روابط ترکیه - اسرائیل از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ آغاز شد و تا اوایل دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن تورگوت اوزال در آنکارا به طول انجامید. تمایلات دولت ترکیه به کشورهای عربی جهت تقویت نقش آنکارا در خاورمیانه را می توان عمده ترین دلیل تیرگی روابط دو دولت دانست. ترک ها به طرز آشکاری از فلسطینیان حمایت می کردند، تا متقابلاً همراهی عرب ها را در قضیه قبرس کسب کنند. انگیزه ترکیه از بهبود روابط تل آویو - آنکارا در زمان دولت اوزال، تلاش جهت کسب منافع تجاری و استفاده از ارتباطات ویژه محافل اسرائیلی در آمریکا برای پیشبرد مقاصد ترکیه بود. ترکیه تا قبل از فروپاشی شوروی در بازوی شرقی ناتو، نقش مهمی در جلوگیری از نفوذ شوروی به منطقه داشت و از جانب متحدین غربی اش از نظر امنیتی حمایت می شد؛ اما پس از فروپاشی دیگر نقش ترکیه به اندازه قبل برای ناتو حیاتی نبود و این کشور با وجود تهدیداتی که از جانب همسایگان خود احساس می کرد، احتیاج به متحدین قوی و قابل اعتماد داشت، اسرائیل می توانست این نقش را برای ترکیه بازی کند؛ و اتحاد ترکیه با

اسرائیل در چارچوب یک زیر سیستم منطقه ای، یک الگوی جدید در همکاری های خاورمیانه محسوب شد. (ملک محمدی، ۱۳۸۵، ۲۶-۲۴)

در سال ۱۹۹۱ روابط دو دولت وارد مرحله نوینی شد که در ابتدای امر تبادل سفیران صورت گرفت و در نهایت در سال ۱۹۹۳ به امضای موافقتنامه همکاریهای امنیتی میان ترکیه و اسرائیل انجامید. سپس تل آویو میزبان نشست مخفیانه رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه و سرپرست وزارت جنگ اسرائیل شد که نتیجه آن، امضای نخستین موافقتنامه همکاریهای نظامی دوجانبه بود. در آگوست ۱۹۹۶ موافقتنامه واگذاری ۵۴ فروند فانتوم «اف - ۴» بین ترکیه و اسرائیل به امضا رسید که ارزشی بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار داشت. اسرائیل نیز متعهد شد در فرایند بازسازی تشکیلات نظامی ترکیه در مرزهای مشترک این کشور با ایران، عراق و سوریه به آنکارا یاری رساند و نقش پیشگیرانه ای علیه شبه نظامیان کرد ایفا کند. در سالهای بعد توافقنامه تبادل اطلاعات جاسوسی و همکاریهای نظامی به همراه سفرهای مکرر نظامیان بلند پایه سطح روابط ترکیه - اسرائیل را ارتقا داد. روابط اقتصادی هم به موازات همکاریهای نظامی رشد کرد، در این میان کافی است تنها به احداث خط لوله آب در دریای سیاه میان ترکیه و اسرائیل اشاره کرد. (یونسیان، ۱۳۸۴، ۹۹-۹۶)

حزب عدالت توسعه ترکیه از سال ۲۰۰۱ تحت رهبری رجب طیب اردوغان شهردار پیشین استانبول که در انتخابات ۱۹۹۵ از حزب اسلام گرای رفاه انتخاب شد، شکل گرفت. این حزب یک استراتژی سه لایه را برای کسب قدرت در ترکیه طراحی کرد؛ اول، از موضع حقوق بشر و دموکراسی به عنوان یک سپر استدلالی استفاده کرد؛ دوم، حمایت مردمی را به عنوان یک شکل مشروعیت دموکراتیک بسیج کرد؛ و سوم یک ائتلاف لیبرال - دموکرات با بخشهای مدرن و سکولاری تشکیل داد که این حزب را به عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع قبول داشته باشند. (carroll,2004,78-80)

با توجه به موارد فوق، حزب عدالت و توسعه، تداوم همگرایی با غرب را در پیش

گرفت و همگرایی با غرب و حفظ هویت اسلامی دیگر به صورت گزینه هایی متضاد، دیده نشدند. لذا حزب عدالت و توسعه در حالی که ارتباط خود را با هویت اسلامی اش حفظ می کرد، مدافع همگرایی با غرب نیز بود و این موضوع را در تداوم و توسعه روابط با اسرائیل نیز نشان داد. در این مقاله روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در چارچوب نظریه سیستم ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

نظریه سیستمها در سیاست و روابط بین الملل

سیستم اصطلاحی است که امروزه در علم سیاست و روابط بین الملل کاربرد وسیعی دارد. سیستم عبارت است از: یک چارچوب نظری برای مدون ساختن داده های مربوط به پدیده های سیاسی؛ مجموعه ای یکپارچه از روابط که بر پایه یک مجموعه مفروض از متغیرهای سیاسی استوار است؛ مجموعه ای از روابط میان متغیرهای سیاسی در یک نظام بین المللی؛ و یا هر مجموعه از متغیرهایی که در کنش متقابل با یکدیگر باشند. (دوئرتی، فالتزگراف، ۱۳۸۴، ۲۲۳)

سیستم ممکن است دارای سازمان منعطف یا متصلب، با ثبات یا بی ثباتی باشد. یک سیستم با ثبات برای برهم خوردن وضعیتش نیاز به یک درونداد نسبتاً قدرتمند دارد. اما یک سیستم بی ثبات متزلزل تر است و توازن آن راحت تر به هم می خورد. هر سیستمی در پی آن است که به نوعی تعادل دست یابد آن را حفظ کند و پس از برهم زدن تعادل به آن بازگردد. خود تعادل ممکن است با ثبات یا بی ثبات باشد یک تعادل با ثبات قادر است اجزاء جدید را در خود جذب و هضم کند، در عین ادامه دادن به فعالیت معمول خود، انواع دروندادها را پردازش نماید، با تغییرات سازگار شود و با

نشان دادن واکنش مناسب به «باز خورد منفی» رفتار خود را تصحیح نماید. از نظر اندیشمندان علم روابط بین‌الملل، تئوری سیستم‌ها به تبیین یک سلسله از پدیده‌هایی می‌پردازد که در روابط بین‌متغیرهای مستقل یا وابسته، در تعامل قرار می‌گیرند. در این رابطه، یک تغییر و دگرگونی در یک یا چند متغیر باعث می‌شود که نظم متغیرهای دیگر به هم بریزد.

ممکن است در داخل سیستم‌های بزرگ‌تر، سیستم‌های کوچک‌تری (یاخرده سیستم‌هایی) وجود داشته باشند. خرده سیستم، به خودی خود یک سیستم است که می‌توان آنرا مجزا و منفک ساخت. هر سیستم مرزهایی دارد که آنرا از محیط عملیاتی‌اش متمایز می‌سازد. هر سیستم، به یک تعبیر، شبکه‌ای ارتباطی است که اجازه جریان یافتن اطلاعات را می‌دهد و به طور خودکار به سازگاری دست می‌یابد. هر سیستم، درون‌دادها و برون‌دادهایی دارد. (همان)

اصطلاحی که با نظریه سیستم‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد، اصطلاح وابستگی متقابل^۲ است که مشخص‌کننده روابط موجود در یک سیستم بین‌المللی جهانی است. به نظر رابرت کوهن و جوزف نای، وابستگی متقابل همواره با خود هزینه‌هایی به همراه دارد: «زیرا وابستگی متقابل، محدودکننده استقلال عمل است. ولی پیشاپیش می‌توان مشخص ساخت که آیا مزایای یک رابطه بر هزینه‌های آن می‌چربد یا نه. این امر به ارزشهای بازیگران و نیز به سرشت رابطه بستگی خواهد داشت». (همان)

از نظر آنها مفهوم وابستگی متقابل متضمن دو بعد حساسیت و آسیب‌پذیری است و از این دو بعد می‌تواند سرشتی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی یا ایدئولوژیک داشته باشد. در نتیجه، وابستگی متقابل رابطه‌ای نامتقارن است. یک رابطه وابستگی متقابل میان طرفهایی که با هم برابر نیستند را احتمالاً می‌توان یا با «وابستگی» به معنی

1- Negative feedback

2- Interdependence

نیاز، و یا با «عدم تقارن» به معنی وضعیتی که در آن، یک طرف بیش از طرف دیگر نیازمند مزایای حاصل از رابطه است مشخص کرد. (همان)

مسائل یا دروندادها و سیستم بین المللی با سرعتی بیش از سرعت پیدا شدن راه حل ها تکثیر می شوند و لذا بار بیش از حدی بر سیستم ها وارد می شود. در نتیجه تأثیر فراگیر تکنولوژی بر سیستم بین المللی، الگوهای وابستگی متقابل و کنش متقابل پیچیده تر می شوند. بنا به فرض، تحت چنین شرایطی شمار «نیازهای ساختاری»، یعنی آن دسته از نیازهایی که برآورده شدن آنها برای عملکرد مؤثر سیستم ضروری است، بالا می رود (Scott, 1977, 45-46)

ارزش نظریه سیستم ها ناشی از مفاهیمی است که در اختیار ما می گذارد تا توانایی ساختارهای بدیل را در زمینه ایفای کارکردهای مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. بسیاری از نویسندگان معتقدند که چنین ساختارهایی ممکن است شامل بازیگرانی غیر دولتی همچون اتحادیه ها، شرکت های چند ملیتی، سازمان های مذهبی و سایر گروههایی باشند که از لحاظ اعضا و دامنه عمل، مرزهای کشورها را در می نوردند. (Ibid)

نظریه سیستم ها در مسایلی چون بسط مدل هایی از سیستم های بین المللی با الگوهای تعاملی مشخص؛ بررسی فرآیندهایی که تصمیم گیران در یک واحد ملی از طریق آنها با یکدیگر به تعامل پرداخته، به دروندادهای ناشی از محیط داخلی بین المللی پاسخ گفته و سیاست خارجی را صورت بندی می کنند؛ بررسی تعامل میان یک واحد سیاسی ملی و خرده سیستم های داخلی آن - مانند افکار عمومی، گروههای نفوذ و فرهنگ - با هدف تحلیل الگوهای تعامل؛ بررسی گروههای پیوند خارجی یعنی سایر سیستم های سیاسی، بازیگران، یا ساختارهای موجود در سیستم بین المللی که سیستم ملی تحت بررسی، با آنها رابطه مستقیمی دارد؛ و بررسی تعامل میان گروه های پیوند خارجی و آن دسته گروه های داخلی - همچون نخبگان امورخارجی، ارتش، سوداگران فعال در تجارت جهانی - که بیشترین حساسیت را نسبت به رویدادهای

خارجی دارند. (دوئرتی و فالتزگراف، پیشین، ۲۲۸) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این کانونهای تحلیلی به هیچ وجه مانع الجمع نیستند: درک فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیستم‌ها در سطح ملی برای فهم تعامل میان واحدهای ملی سیستم بین‌الملل اهمیت اساسی دارد. متمرکز شدن بر تصمیم‌گیری ملی به معنی بررسی یک خرده سیستم از سیستم بین‌المللی است؛ سیستم بین‌المللی نیز در کانون خود، تحقیق در مورد تعامل میان سیاست‌های خارجی یک سلسله از واحدهای ملی را دارد. (همان، ۲۴۱)

به عنوان بخشی از دیدگاه سیستمی در نظریه روابط بین‌الملل، علاقه محققان به مشخص ساختن خرده سیستم‌ها، به نحو اساسی افزایش یافته است. خرده سیستم منطقه‌ای متشکل از یک یا دو یا چند دولت مجاور و در حال تعامل است که دارای برخی پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی هستند و احساس هویت آنها گاه به واسطه اقدامات و موضعگیری‌های دولت‌های خارج از سیستم افزایش می‌یابد. (Spruyt, 1998.340-341)

هر خرده سیستم را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: نخست، بخش هسته یا کانون اصلی سیاست بین‌الملل در داخل یک منطقه مشخص. دوم، بخش پیرامون، شامل دولتهایی که در امور سیاسی منطقه ایفای نقش می‌کنند ولی به واسطه عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی و غیره، از بخش هسته مجزا هستند.

سوم یک سیستم نفوذگذار که اشاره به آن دسته قدرت‌های خارجی دارد که دارای مشارکت مهمی در خرده سیستم هستند. هر چند در مورد ویژگی‌های یک خرده سیستم، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. (Thompson, 1973, 93-94)

ویلیام تامپسون شرایط لازم و کافی یک خرده سیستم منطقه‌ای را منظم بودن و شدت تعاملات به ترتیبی که دگرگونی در یک بخش بر بخشهای دیگر تأثیر گذارد؛ مجاورت کلی بازیگران؛ شناسایی داخلی و خارجی خرده سیستم به عنوان واحدهای

مجزا؛ و وجود دست کم دو و احتمالاً چند بازیگر در خرده سیستم می داند (Ibid). با استفاده از معیارها، می توان خرده سیستم های بسیاری را مشخص ساخت. البته ممکن است مرزهای آنها برای مقاصد مختلف تفاوت کند. از نقطه نظر نهادی، ممکن است اتحادیه اروپا و از نقطه نظر جغرافیایی و فرهنگی اروپای غربی را می توان یک خرده سیستم دانست. وجود دولتی مانند بریتانیا، فرانسه یا آلمان در داخل هر یک از این خرده سیستم ها، یک سلسله درونداها را از محیط بین المللی به درون سیاست خارجی آن خرده سیستم می فرستد. در سایر نقاط جهان نیز می توان یک رشته خرده سیستم های منطقه ای را مشخص ساخت که به شکل گیری سیاست های خارجی دولت های بخش هسته و بخش پیرامون آن خرده سیستم ها یا دولت های خارج از آنها کمک می کنند (دوئرتی و فالتزگراف، پیشین، ۲۶۱).

بنابراین می توان در قالب تجزیه و تحلیل سیستمی به بررسی و مطالعه پدیده های مختلف سیاسی پرداخت. تحلیل سیستمی، یک چارچوب تئوریک در اختیار می گذارد تا به کمک آن چگونگی رفتارهای سیاسی درک شود و نحوه تغییر ماهیت و محتوای اساسی و یا ساختاری آنها، مشخص گردد. (Easton, 1965, 475-478)

بدون شک بررسی پدیده های سیاسی در چارچوب تحلیل سیستمی، جنبه های اصلی روند سیاسی را می نمایاند. به علاوه این برداشت، انتقال فرضیه ها را از سطحی به سطح دیگر، از طریق شناخت سیستم های فرعی درون یک نظام سیاسی مشخص، عملی می سازد. همچنین تجزیه و تحلیل سیستم ها به تعیین نقاط ضعف و خطر بالقوه در یک نظام سیاسی کمک می کند (پالمروسایرین، ۱۳۶۷، ۲۸۳۰).

در این راستا یکی از مسائل عمده در رشته روابط بین الملل فهم عوامل تأثیر گذار بر رفتار خارجی دولتهاست. به عبارت دیگر، یکی از پرسشهای اصلی درک چگونگی و چرایی رفتار خارجی دولت هاست که در این میان، مبحث چرایی و عوامل تأثیر گذار بر رفتار خارجی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. برای فهم این مسأله، تمایز و

تشخیص میان سیاست خارجی دولتها از یک سو، و روابط بین‌الملل شامل سیاست بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل از سوی دیگر، حائز اهمیت است. سیاست خارجی تحت عنوان کلی نظریه‌های کنش در روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد. نظریه‌های کنش صرفاً با یک بازیگر (کنشگر) و چگونگی و چرایی رفتار وی سر و کار دارند، در حالی که نظریه‌های اندرکنش مجموع روابط متقابل بازیگران در عرصه بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدین ترتیب، نظریه کنش، عرصه بررسی سیاست خارجی و نظریه اندرکنش، عرصه بررسی روابط بین‌الملل است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ۴۷).

در نظریه کنش مسائلی چون تحلیل اهداف - ابزار، شیوه تصمیم‌گیری، تحلیل توانایی‌های یک دولت، و در نهایت تأثیر ساختار و کارکرد محیط داخلی بر سیاست خارجی یک دولت در سیاست بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما در نظریه اندرکنش به محیط خارجی تأثیر گذار بر رفتار یک دولت توجه می‌شود. تحلیل سیستمی در چارچوب نظریه اندرکنش مطرح شده است. مطابق این نظریه، بررسی محیط خارجی یک دولت (محیط منطقه‌ای و جهانی) برای فهم رفتار خارجی آن حائز اهمیت است.

به این ترتیب می‌توان گفت سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو عامل عمده شکل می‌گیرد که عبارتند از: الف) محیط ذهنی (ارزش‌ها و تصورات سیاستگذاران) ب) محیط عینی (شامل دو بخش محیط داخلی (شرایط داخلی کشور) و محیط بین‌المللی (محیط منطقه‌ای و محیط جهانی). ارزش‌ها، تصورات و نگرانی‌های ملی سیاستگذاران بر آنچه که انجام دادنش برای آنان مطلوب است تأثیر می‌گذارد، اما محیط (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) تعیین‌کننده آن چیزی است که دولت‌ها قادر به انجام آن هستند. (همان، ۸)

شرایط محیط بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی) که شرایط سیستمی نامیده می‌شوند، از دو طریق بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر می‌گذارند. نخست این که

شرایط سیستمی در اغلب موارد محدودیت‌ها و در برخی موارد فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند. این شرایط، محدوده ممکن برای کنش دولت‌ها را مشخص می‌سازند. اما شرایط سیستمی از یک راه دیگر نیز بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. بدین شکل که موجد برخی نیروهایی می‌شود که دولت‌ها را به یک جهت خاص وامی‌دارد یا از آن باز می‌دارد. بدین ترتیب، اگر حتی شرایط سیستمی نتواند تأثیر بسزایی برای شکل‌گیری اولیه خط‌مشی‌های سیاست خارجی یک دولت داشته باشد، می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت آن نقش محوری داشته باشد.

نحوه واکنش دولت‌ها، شدیداً تحت تأثیر تهدیدی است که متوجه آنها می‌باشد. بنابراین اگر چند کشور در معرض یک تهدید خاص قرار گیرند، رفتاری مشابه خواهند داشت. بدین طریق می‌توان الگوهای مشخص رفتار و تعامل را شناسایی نمود. همچنین می‌توان انتظار داشت که الگوهای رفتاری مزبور به گونه‌ای باشند که به بهترین وجه، امنیت هر کشور را تضمین نمایند (Beckman, 1984, 25-26).

بر اساس تجزیه و تحلیل سیستمی، در فرآیند تبادل میان سیستم و محیطش نهاده‌های سیستم به داده‌ها تبدیل می‌شوند و در حقیقت داده‌های مزبور، همان تصمیمات به شمار می‌روند. در صحنه سیاست بین‌الملل، در جریان کنش‌های متقابل میان داده‌های مختلف واحدهای سیاسی، روابط بین‌الملل شکل می‌گیرد. بر این اساس، ارزیابی رفتار دولت‌ها در چارچوب سیستم تصمیم‌گیری آنها می‌تواند به تجزیه و تحلیل عملکرد نظام بین‌المللی کمک کند (قوام، ۱۳۸۵، ۴۱).

به طور خلاصه، تفکر سیستمی، یک جهان‌بینی و روش اندیشه و یک قالب ذهنی خاص است که برای مطالعه عوامل محیطی داخلی و خارجی سیستم، به عنوان یک کل متشکل و هدفدار، به کار گرفته می‌شود. برداشت سیستمی با ارائه مفاهیمی می‌تواند توجه محقق را به موضوعات تئوریک، و در نتیجه توصیفی و توضیحی، معطوف سازد و وی را در نیل به تئوری‌های عمومی در هر یک از رشته‌های علوم اجتماعی

هدایت کند. در این مقاله روابط دو کشور ترکیه و اسرائیل در قالب نظریه سیستم‌ها و تعاملات آنها با یکدیگر در نوعی زیر سیستم منطقه‌ای بررسی خواهد شد.

پیشینه روابط ترکیه و اسرائیل (۱۹۴۹-۲۰۰۲)

ترکیه اولین کشور مسلمان خاورمیانه است که در سال ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک با این کشور برقرار کرد، اما این روابط در طول جنگ سرد کم‌رنگ و پنهان بود. از ۲۸ مارس ۱۹۴۹ که ترکیه، اسرائیل را به رسمیت شناخت تا سال ۱۹۹۰ تنها اتفاقات مهم در روابط دو کشور، قرار داد بازرگانی در سال ۱۹۵۰ و قرار داد حمل و نقل هوایی در سال ۱۹۵۱ و برخی دیدارهای محرمانه مقامات دو کشور بود. از جمله عواملی که مانع گسترش بیشتر روابط ترکیه و اسرائیل در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ میلادی شد، می‌توان به فشار افکار عمومی داخلی، بحران اقتصادی، شرایط ویژه منطقه‌ای و حساسیت اعراب نسبت به سیاست‌های این کشور در قبال اسرائیل اشاره کرد. (Aras, 1998, 115)

معمار اصلی روابط نوین ترکیه و اسرائیل در این دوره ژنرال چویک بیرکه از نسل ژنرال‌های حامی آتاتورک دارای نشان رهبری از مؤسسه یهودی Jimas است. وی در فوریه ۱۹۹۶ به عنوان نایب رئیس ستاد فرماندهی ارتش ترکیه به اسرائیل رفت و به طور علنی با مقامات اسرائیلی دیدار کرد. به دنبال این دیدار، توافقنامه‌های امنیتی و نظامی مهمی میان ترکیه و اسرائیل به امضا رسید که مهم‌ترین آن فروش تانک‌های مرکاوا III از اسرائیل به ترکیه، نوین سازی هواپیمای اف - ۴ ترکیه از سوی شرکت‌های نظامی اسرائیل، کمک به تولید موشک‌هایی با برد ۵۰۰ کیلومتر در ترکیه با فناوری اسرائیل، آموزش تیم‌های ویژه اطلاعاتی - عملیاتی و مبادلات کل اطلاعات میان دو کشور بود. (یونسیان، پیشین، ۹۹)

به موازات افزایش همکاری‌های نظامی ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۶، دو طرف

گام های مهمی نیز در زمینه توسعه اقتصادی برداشتند که از جمله آنها توافقنامه تجارت آزاد در مارس ۱۹۹۶ بود. براساس این توافقنامه، دو طرف معافیت های گمرکی متقابل را برای کالاهای صادراتی در نظر گرفتند و همچنین براساس آن، حجم مبادلات تجاری سالانه ترکیه و اسرائیل تا دو میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت، در حالی که در حد فاصل سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ از ۱۰۰ میلیون دلار تا ۵۰۰ میلیون دلار ارتقا یافته بود. در سال ۱۹۹۱ زلزله ای در ترکیه به وقوع پیوست، که نقش مهمی در گسترش روابط ترکیه و اسرائیل داشت. اسرائیل در جریان این حادثه، کمک های زیادی به این کشور انجام داد. احداث یک روستای اسرائیلی - ترکیه ای از جمله پروژه های اسرائیل در این زمینه بود، این پروژه شامل احداث ۳۲۰ واحد مسکونی، مغازه های لوکس، درمانگاه و سایر امکانات رفاهی می شد. همچنین در ابتدای این روستا پرچمی نصب شد که نقش اسرائیل - ترکیه بر روی آن به چشم می خورد (Yavuz, 1998, 567).

از سال ۱۹۹۶ که پیمان امنیتی - نظامی میان دو کشور امضا شد، سفر مقامات رسمی طرفین به آنکارا و تل آویو گسترش یافت. در فوریه ۱۹۹۹، رئیس ستاد ارتش، وزیر خارجه و رئیس جمهور اسرائیل از ترکیه دیدار کردند. در این سال همچنین سفر نخست وزیر اسرائیل به ترکیه و دیدار با رئیس جمهور و نخست وزیر آن کشور، زمینه را برای گسترش روابط همه جانبه دو طرف فراهم ساخت. نتیجه نهایی این دیدارها، توافق در زمینه های راهبردی همچون فروش آب رودخانه ماناوغات به اسرائیل؛ به روز کردن هزار تانک ارتش ترکیه به ارزش ۵/۱ میلیارد دلار؛ لغو قرار داد ساخت ماهواره جاسوسی ترکیه به فرانسه و واگذاری آن به اسرائیل؛ مشارکت در پروژه صنعتی - کشاورزی آناتولی جنوبی موسوم به «گپ»؛ تأسیس منطقه آزاد تجاری؛ و افتتاح دفاتر موساد در ترکیه (یونسین، پیشین، ۱۰۱) بود. این مناسبات روابط اسرائیل و ترکیه را کاملاً ارتقا بخشید، به گونه ای که دو کشور به همکاران راهبردی در خاورمیانه تبدیل شدند. از میان حدود ۴۰ موافقتنامه ای که ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ امضا

کردند، قراردادهای اصلی تماماً در برگیرنده همکاری و آموزش نظامی، همکاری‌های دفاعی - صنعتی و تأسیس منطقه آزاد تجاری بوده است.

پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه

روند فوق تا سال ۲۰۰۲ که حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه به قدرت رسید، ادامه داشت. در واقع سیر تحول اسلام‌گرایان در ترکیه با طی فراز و نشیب‌های زیاد، به پیروزی قرائتی معتدل از اسلام یا میانه روی و عمل‌گرایی و پرهیز از افراط‌گرایی انجامید. اسلام‌گرایان ترکیه ابتدا تحت عنوان «جنبش دیدگاه ملی» به فعالیت سیاسی مشغول بودند. نخستین حزب اسلامی در ترکیه «حزب نظام ملی» بود که در سال ۱۹۷۰، توسط اربکان تأسیس شد. حرکت موسوم به «دیدگاه ملی» به رهبری نجم‌الدین اربکان به دلیل کودتاهای نظامی و بسته شدن احزاب، در دهه ۱۹۷۰، با نام حزب نظام ملی و حزب سلامت ملی و در دهه ۱۹۸۰، با نام حزب رفاه و در دهه ۱۹۹۰، با نام حزب فضیلت و حزب رفاه، توانسته بود اتحاد و موجودیت خود را حفظ کند، اما پس از بسته شدن حزب فضیلت، اختلاف نظرهای پدید آمده در داخل حزب دیدگاه ملی، باعث تجزیه و انشعاب این حرکت شد. حزب اسلام‌گرای رفاه، با کسب ۲۱ درصد آرای مردم در انتخابات دسامبر ۱۹۹۵، و ائتلاف با محافظه‌کاران، حزب حاکم ترکیه شد. اما این حزب در ژوئن ۱۹۹۷، با فشار ارتش ترکیه (معروف به کودتای سفید) از قدرت کنار رفت و با رأی دادگاه قانون اساسی منحل شد. پس از آن اسلام‌گرایان به رهبری رجایی کوتان، حزب فضیلت را بنیان گذاشتند که این حزب هم بعداً منحل شد. انشعاب و دودستگی در درون حزب فضیلت و اختلاف دو گروه اصلی درون این حزب (اعتدال‌گرایان و افراط‌گرایان) بر سر نقش و میزان دخالت اسلام در امور روزمره و عرصه عمومی، باعث انشعاب این حزب شد. کادرهای ارشد حزب فضیلت و طرفداران نوگرای این حزب در ماه مه ۲۰۰۱، حزب عدالت و توسعه را به

رهبری رجب طیب اردوغان تأسیس کردند و پیروان اربکان (که دارای گرایش های افراطی تری بودند)، حزب سعادت را به رهبری رجایی کوتان بنیان گذاشتند. در انتخابات زود هنگام سال ۲۰۰۲، این نوگراها بودند که با کسب ۳۴/۲ درصد آرای مردم، حزب حاکم ترکیه شدند. از مهمترین دلایل پیروزی اسلام گرایان در آن زمان عملکرد موفق رجب طیب اردوغان در شهرداری استانبول و فاصله گرفتن آن ها از اسلام گرایان افراطی بود. (کوزه گر، ۱۳۸۶، ۳۶)

روی کارآمدن دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه تحولی بزرگ در تاریخ معاصر ترکیه به شمار می رفت. این حزب در سیاست خارجی ترکیه، تحولات جدیدی را آغاز نمود. به گونه ای که اروپا و آمریکا ترکیه را مدل حکومتی مناسبی در میان مسلمانان معرفی نمودند. ترکیه در دوره اسلام گراها مذاکرات خود را با اتحادیه اروپا ادامه داده و در حوزه مدیترانه، آسیای میانه و قفقاز حضور فعال دارد. این حزب بیش از دولت های قبلی، در زمینه روابط با اروپا و آمریکا باز عمل نموده است. (Yavuz, 1999, 584-586)

در همین حال اردوغان وجهه مدرنش را نیز حفظ کرده و بارها نسبت به جمهوری سکولار ترکیه اظهار وفاداری کرده است. در واقع وی از عهده حل مناسبات پیچیده دین و سیاست در ترکیه برآمد. با مطالعه اقدامات اردوغان دور از ذهن نیست که بگوییم به معنای واقعی سکولاریسم اردوغان از آتاتورک آگاه تر است. این حزب در مقایسه با احزاب به شدت سکولار ترکیه دارای گرایش اسلامی است، اما این گرایش تنها به حفظ حرمت دین در حوزه شخصی و مدنی محدود می شود و در دستگاه دولت تبلوری ندارد. (Bryza, 2008, 6-8)

رابطه ترکیه با اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه

در نوامبر ۲۰۰۲ زمانی که حزب عدالت و توسعه در انتخابات پیروز شد، تعادل

روابط فلسطین - اسرائیل - ترکیه تا حدودی به هم خورد و تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه حمایت وسیع تری از فلسطینی ها و به خصوص حماس صورت گرفت. اما بعد از آن، در دسامبر ۲۰۰۲ ژنرال موشه یالون، رئیس ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل، از ترکیه دیدار کرد و در همین ماه، مانور مرماید^۱ پنج آغاز شد. در سال ۲۰۰۳ نیز دیدارهای مهمی بین مقامات دو طرف صورت گرفت که نقش مهمی در همکاری های دوجانبه داشت. در ۱۴ آوریل ۲۰۰۳، وزیر خارجه اسرائیل، سیلوان شالوم، به آنکارا سفر کرد. در ماه مه همین سال، وزیر دفاع اسرائیل، شائول موفاز، از ترکیه دیدار کرد و در ۸ و ۹ ژولای همان سال، موشه کاتساو، رئیس جمهور اسرائیل، از آنکارا دیدار کرد. (www.dover.idf.il) اسرائیل، در سال ۲۰۰۳ یک میلیارد دلار کالا از ترکیه خریداری کرد. به علاوه، بیشتر از ۳۲۰۰۰۰ توریست اسرائیلی از ترکیه دیدار کردند. این دیدارها در حالی صورت گرفت که در ۱۵ نوامبر همان سال چندین انفجار در کنیسه های مختلف در استانبول رخ داد. در همین سال، در گزبه^۲، در شرق استانبول، یک گردشگاه مدرن با فناوری پیشرفته بازگشایی شد که ۴۸ درصد سهام آن متعلق به یک اسرائیلی بود. (www.haaretz.com) در ۴ مارس ۲۰۰۴، اسرائیل توافق نامه آب و ماناواگات را با ترکیه امضا کرد، که در آن اسرائیل سالانه ۵۰ میلیون متر مکعب آب، به مدت بیست سال، از ترکیه وارد می کند. این معاهده مرحله به مرحله انجام می شود و ترکیه با امضای این قرار داد، امتیازات زیادی از اسرائیل گرفت. ترکیه تهدید کرد که در صورت تعویق تعهدات نظامی اسرائیل و انجام پروژه های توسعه ای در این زمینه، اسرائیل باید از این قرار داد صرف نظر کند. (Ibid)

اما در ۲۴ مارس ۲۰۰۴، در پی ترور شیخ احمد یاسین، رهبر حماس، توسط اسرائیل، نخست وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، این عمل اسرائیل را یک اقدام

1- Mermaid
2- Gezbe

تروریستی خواند. همچنین، اردوغان، عملکرد سیاسی اسرائیل در نوار غزه را به عنوان دولت حامی تروریسم توصیف کرد و از نخست وزیر اسرائیل، آریل شارون، به دلیل سیاست های وی در قبال فلسطینی ها، انتقاد کرد. این موضع گیری اردوغان با ناراحتی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا روبه رو شد. با این وجود، در ۲۴ مه، گروه زورلو^۱، یک شرکت تجاری ترکیه ای، یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری با اسرائیل برای ساخت و مدیریت سه کارخانه در زمینه تولید انرژی، امضا کرد. (www.mfa.gov.tr)

وزیر وقت صنعت و تجارت اسرائیل، ایهود اولمرت، در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴، از ترکیه دیدار و با رئیس جمهور و وزرای خارجه، اقتصاد، ارتباطات و انرژی ترکیه، ملاقات کرد. دلیل اصلی دیدار اولمرت از ترکیه و ملاقات با سران این کشور، برگزاری اجلاس شورای اقتصادی مشترک ترکیه - اسرائیل بود، که قرار بود وی بر این اجلاس نظارت داشته و رئیس جلسه باشد. (www.musavirlikler.gov.tr) در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴، مدیر کل وزارت خارجه اسرائیل، ران پروسور و مقامات رسمی وزارت خارجه ترکیه، از جمله همتای پروسور، علی تویقان، در آنکارا در مورد روابط دوجانبه و مسائل منطقه ای مانند درگیری های فلسطینی ها و اسرائیلی ها بعد از مرگ یاسر عرفات، مذاکره داشتند.

سال ۲۰۰۵ سرآغاز فصل جدیدی در روابط ترکیه - اسرائیل به شمار می آید. در ژانویه ۲۰۰۵، عبدالله گل، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، به تل آویو سفر و پیشنهاد میانجیگری آنکارا در مناقشه سوریه - اسرائیل را مطرح کرد. در پاسخ به این سفر، هیئتی بلند پایه از وزارت جنگ اسرائیل وارد آنکارا شد. در این دیدار، امضای موافقتنامه ۵/۱ میلیارد دلاری فروش ۴۸ فروند هواپیمای اف - ۵، ۵۴ فروند جنگنده نظامیاف ۴ و ۱۵ دستگاه تانک ام - ۶۰ از سوی ترکیه بررسی شد. روز بعد در آنکارا، «حلمی ازکوک» با رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل دیدار و گفت و گو کرد. در

آوریل ۲۰۰۵، ترکیه ۱۰ فروند هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین «هرون» از صنایع هوایی اسرائیل و شرکت اسرائیلی البیت سیستم^۱ به بهای ۱۸۳ میلیون دلار خریداری کرد. طبق این قرار داد، ترکیه به چندین ایستگاه استقرار این ابزارها مجهز می‌شد؛ که در هر کدام از این ایستگاه‌ها سه یا چهار هواپیمای اتوماتیک مستقر می‌شد، ارتش ترکیه، در همه قسمت‌ها، می‌توانست از این فناوری مدرن و جدید استفاده کند.

اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در اول مه ۲۰۰۵، از تل‌آویو دیدار و از یادبود هولوکاست، یاد واشم^۲، دیدن کرد و پیشرفت ۱۷ پروژه نظامی جدید مشترک ترکیه - اسرائیل را تأیید کرد (Cagaptay, 2005, 21-22). همچنین، در سپتامبر ۲۰۰۵، ترکیه به عنوان یک واسطه برای اولین دیدار رسمی بین المللی و پاکستان عمل کرد. در همین ماه نیز، فرمانده نیروهای دریایی ترکیه به اسرائیل سفر کرد.

رئیس ستاد ارتش اسرائیل، دن هالوتز، در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵، از آنکارا دیدار کرد و با همتای ترکیه‌ای خود، ژنرال حیلمی اوزکوک، ملاقات نمود. آنها در مورد نگرانی‌های مشترک مانند اسلام‌رادی‌کال و فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفت و گو کردند. در طول این گفت و گوها، ترکیه و اسرائیل در مورد ادامه تمرین‌های نظامی مشترک (موسوم به مرماید) و استفاده از ماهواره‌های جاسوسی مؤثرتر برای رصد فعالیت‌های تروریستی اسلام‌گراها در منطقه، توافق کردند. همچنین نیروی دفاعی اسرائیل، موافقت کرد که ترکیه را به تجهیزات نظارتی و جاسوسی، با فناوری پیشرفته به منظور پوشش مؤثرتر مرز مشکل‌آفرین ترکیه با عراق، که اکراد جدایی طلب از این مرز، با هدف انجام حملات تروریستی، به خاک ترکیه نفوذ می‌کنند، تجهیز کنند (www.washingtoninstitute.org). به طور کلی در سال ۲۰۰۵، ترکیه بزرگ‌ترین شریک تجاری اسرائیل در منطقه بود. ترکیه در این سال، ۹۰۰ میلیون دلار کالای

1- Elbit System
2- Yad Vashem

اسرائیلی وارد کرد و ۱/۲ میلیارد دلار کالا به اسرائیل صادر کرد. نخست وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۶ به اسرائیل سفر کرد و دیدارهایی با رئیس جمهور و نخست وزیر اسرائیل و محمود عباس رئیس دولت خود گردان فلسطین داشت. سفر نخست وزیر ترکیه به اسرائیل از منظر تقویت روابط نظامی دو دولت، حائز اهمیت بود. قرارداد واگذاری ۳۰ فروند هواپیمای نظامی اف - ۴ حاصل این دور از گفت و گوها بود، علاوه بر آن، مکانیسم های همکاری آنکارا در پروژه انتقال گاز روسیه به اسرائیل نیز بررسی شد. واکنش های بین المللی به فعالیت های هسته ای ایران نیز یکی از محورهای مذاکرات رؤسای دو دولت بود.

عبدالله گل، در طول اولین روز از دیدار دو روزه از اسرائیل و مناطق فلسطینی نشین، در ۳۱ آوریل ۲۰۰۶، یک قرار داد با مقامات فلسطینی برای بازگشایی یک ناحیه صنعتی در نوار غزه امضا کرد. وی همچنین قراردادی مشابه، با مقامات اسرائیلی در تل آویو امضا کرد. (www.hurriyet.com.tr) در مه ۲۰۰۶، فدراسیون اتاق های بازرگانی اسرائیل یک قرارداد همکاری اقتصادی با اتاق های بازرگانی منطقه دریای اژه برای روابط تجاری دوجانبه، با نام فرضی ترکیه، امضا کرد؛ این توافق نامه با انتقال فناوری کشاورزی جدید اسرائیل به ترکیه همراه بود. همچنین ترکیه و اسرائیل برای پروژه چند میلیون دلاری انرژی و آب که شامل انتقال آب، الکتریسیته، گاز طبیعی و خط لوله نفت، که از اسرائیل می گذرد و به خاور دور می رسد، مذاکره کردند. (www.cia.gov)

رئیس جمهور ترکیه، احمد نجات سزر، در ۶۹ ژوئن ۲۰۰۶، از اسرائیل دیدار کرد؛ وی همچنین با محمود عباس، از تشکیلات فلسطینی فتح، ملاقات نمود. اسرائیل و ترکیه در ۳۱ ژولای ۲۰۰۶، یک توافقنامه امضا کردند که صادرات مواد غذایی و کشاورزی اسرائیل به ترکیه را تقریباً ۲۰ میلیون دلار در سال افزایش می داد. این قرارداد تکمیل کننده معاهده ای بود که در سال ۱۹۹۸ بین دو کشور به امضا رسید و

مانع محدودیت های تجاری می شد (yglesias,2007,5).

همچنین در ژانویه ۲۰۰۷، ترکیه و اسرائیل مذاکراتی در مورد همکاری در زمینه احداث خطوط لوله گاز و نفت از دریای سیاه به دریای سرخ و پروژه آب رسانی به اسرائیل انجام دادند، که طرح های پایانی در این زمینه هنوز در مرحله پیشرفت است. (www.kennisonline.wur.nl) اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، در فوریه ۲۰۰۷ به ترکیه سفر کرد. این نخستین دیدار اولمرت از ترکیه، به عنوان نخست وزیر بود. دو کشور در مورد روابط تجاری و امنیتی دوجانبه، از جمله احداث یک خط لوله برای انتقال نفت و گاز به اسرائیل از طریق ترکیه و پیشرفت های حاصله در زمینه فرایند صلح خاورمیانه گفت و گو کردند. اولمرت پس از باراک (۱۹۹۹) و شارون (۲۰۰۱) سومین نخست وزیر اسرائیل بود که به ترکیه سفر کرد. از ۶ تا ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷، هیئتی از اردن، ترکیه و اسرائیل در مورد همکاری های تجاری سه جانبه در تل آویو، استانبول و امان مذاکره کردند. همچنین، شیمون پرز، رئیس جمهور اسرائیل، از ۱۱ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۰۷ از آنکارا دیدن کرد. (Shankland,2007,354-356)

در نوامبر ۲۰۰۷ شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل از آنکارا دیدار و برای اولین بار به همراه عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه در پارلمان یک کشور اسلامی به سخنرانی پرداخت. در سال ۲۰۰۸ چند روز قبل از اولین تهاجم اسرائیل به غزه در ۲۷ دسامبر ملاقاتی میان رجب طیب اردوغان و همتای وی ایهود اولمرت برگزار شد. ملاقاتی که به بررسی پیشرفت مذاکرات محرمانه گذشته اسرائیل و سوریه می پرداخت که در این میان ترکیه نقش میانجی را بین سوریه و اسرائیل ایفا می کرد. (www.hawzah.net) اما عملیات نظامی اسرائیل در غزه و خبر افزایش تلفات عمومی با واکنش تندی از سوی ترکیه مواجه شد و این درگیری منجر به وخامت روابط این دو کشور شد. رجب طیب اردوغان در واکنش شدید سیاسی نسبت به این عمل اعلام انزجار و آنرا به شدت محکوم کرد. (Ibid)

در پی جنگ اسرائیل و غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹) رجب طیب اردوغان از اسرائیل خواست که این جنگ را متوقف و دست از عملیات نظامی بردارد. وی عمل اسرائیل را جنایت علیه بشریت نامید و اسرائیل را با کلمات تند مورد خطاب قرار داد و گفت: «این عملیات باعث افزایش تنش بین کشورهای مسلمان خواهد شد.» وی به دیپلماسی فعال منطقه ای و مذاکره با سران کشورهای عربی از جمله مصر، سوریه، اردن و عربستان سعودی پرداخت. مردم ترکیه در واکنش به این درگیری که باعث از میان رفتن روابط اسرائیل با ترکیه شد تظاهرات گسترده ای علیه اسرائیل در شهرهای مختلف به راه انداختند. هفته ها پس از آتش بس، روابط این دو رژیم به طور روزافزونی رو به وخامت گرائید. در نشست جهانی اقتصاد در داووس سوئیس (۲۹ ژانویه ۲۰۰۹) رجب طیب اردوغان ضمن حمله شدید به شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل، این کنفرانس را به نشانه اعتراض ترک کرد. وی خطاب به پرز گفت: «شما مردم را کشته اید.» (Ibid) علی رغم مواضع فوق ترکیه تلاش زیادی به کار برد تا به هر شکل ممکن جنگ غزه خاتمه پذیرد. به نظر می رسد پس از اینکه اسرائیل به طور یکجانبه اعلام کرد که عملیات نظامی را در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ به اتمام رسانده دعوت احمد داووداوغلو مشاور ارشد سیاست خارجی اردوغان نقش مهمی را در راضی کردن حماس برای پایان دادن به حملات راکتی به مقر اسرائیلی ها در شمال و شرق غزه داشته است. (Ibid) سیاستمداران ترک با وجود اتخاذ مواضع مخالف با سیاستهای اسرائیل به دلایل مختلف (که در ادامه مقاله عنوان خواهد شد) به روابطش با آن کشور به گونه خاصی می نگرند. (www.irdiplomacy.ir)

به دنبال پخش سریالی ضد اسرائیلی در ترکیه که اعتراض شدید اسرائیلی هارا برانگیخت، معاون وزیر امور خارجه اسرائیل، سفیر ترکیه در اسرائیل را به وزارت خارجه آن کشور احضار و وی را در پایین ترین مکان نشانند و پرچم ترکیه را روی میز خود قرار نداد. ترکیه این عمل را اهانت توصیف کرد. این تنش عذرخواهی اسرائیل را

به همراه داشت و ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل به ترکیه سفر کرد تا به این تنش پایان دهد. (www.islamtimes.org)

مناسبات تیره ترکیه و اسرائیل در ماه مه ۲۰۱۰ با اعزام کشتی بشردوستانه به غزه برای شکستن محاصره منطقه و درگیری مرگبار سرنشینان آن با نیروی دریایی اسرائیل، ادامه یافته و آتش خشم ترکیه را شعله ور کرد. (www.Radiofarda.com) در این درگیری ۹ نفر از سرنشینان ترک تبار کشتی کشته شدند. واکنش تند جامعه بین‌المللی علیه اقدام دولت اسرائیل، رجب طیب اردوغان را به یک قهرمان در جهان اسلام تبدیل کرد. ترکیه ۳ روز به اسرائیل فرصت داد تا تمام سرنشینان ترک این کشتی را به ترکیه بازگرداند. ضرب الاجل توسط دولت نتانیاهاو پذیرفته شد. با این اقدام اردوغان هم اسرائیل را تضعیف کرد و هم موضع ترکیه را در خاورمیانه ارتقاء داد. (www.bbc.co.uk)

روابط متشنج دو کشور در طول سال ۲۰۱۰ ادامه یافت. در این میان تأکید ترکیه بر عذرخواهی رسمی اسرائیل از آن کشور بابت حمله به کشتی صلح، لغو مانور نظامی دو کشور و لغو دیدار وزیر امور خارجه ترکیه از اسرائیل بر تیرگی روابط افزود (www.irdiplomacy.ir). ترکیه عذرخواهی رسمی اسرائیل از ترکیه در قبال حمله به کشتی صلح را شرط بهبود روابط دو کشور اعلام کرد. اقدامی که تاکنون مورد موافقت اسرائیل قرار نگرفته است.

اما علی‌رغم مواضع فوق‌نخست‌وزیر ترکیه در تیرماه ۱۳۸۹ اعلام کرد که ترکیه همچنان دوست اسرائیل است. هر چند وی دولت نتانیاهاو را بزرگترین مانع بر سر راه صلح در خاورمیانه خواند (www.INN.ir). عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه نیز در نشست شورای روابط خارجی در نیویورک بر این نکته تأکید کرد (www.sharghnewspaper.com) (۱۳۸۹/۷/۴). در این میان برخی منابع خبری از دیدار محرمانه وزیر صنایع اسرائیل با وزیر امور خارجه ترکیه در بروکسل

خبر دادند که نشانگر دیدگاههای خاص دو کشور برای تداوم روابط سیاسی بود (Ibid) با این وجود تأکید ترکیه بر عذرخواهی رسمی اسرائیل از ترکیه بابت حمله به کشتی صلح، عدم حضور مقامات ترکیه در نشست هایی که طرف اسرائیلی نیز در آن حضور دارد و همچنین برای نخستین بار گنجاندن نام اسرائیل به عنوان اصلی ترین تهدید در سند امنیت ملی ترکیه نشان دهنده مشکلات عمده در روابط دو کشور می باشد (www.sharghnewspaper.com). همچنین در پی بروز نا آرامی هایی در منطقه (۸۹/۹/۶) اردوغان نسبت به هر گونه حمله اسرائیل به جنوب لبنان و یا غزه هشدار داد (فرهیختگان، ۸۹/۹/۶، ۱۴). در عین حال در پی کمک ترکیه به خاموش کردن آتش جنگل های اسرائیل در دی ماه ۱۳۸۹ که به دیپلماسی اطفای حریق معروف شد تا حدودی یخ های روابط ترکیه و اسرائیل شکسته شد. (www.sharghnewspaper.com) اما تأکید مکرر ترکیه مبنی بر عذرخواهی رسمی اسرائیل از آن کشور و نیز حمایت قاطع اردوغان از جنبش حماس (شرق)، ۶، ۸۹/۱۰/۲۵ نشان از وجود شکاف هایی در مسیر روابط دو کشور دارد.

تجزیه و تحلیل روابط ترکیه و اسرائیل بر مبنای نظریه سیستم ها

همانطور که مشخص گردید روابط ترکیه و اسرائیل بویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، هر چند با فراز و نشیب هایی همراه بوده است اما روابطی مستحکم و از دید برخی از نظریه پردازان روابط استراتژیکی بوده است. در تبیین این رابطه از نظریه سیستم ها استفاده می گردد.

روابط ترکیه و اسرائیل در چارچوب یک زیر سیستم منطقه ای در خاورمیانه قابل ارزیابی است. همچنان که در نظریه سیستم ها مطرح شد یک خرده سیستم منطقه ای متشکل از دو یا چند دولت است که با یکدیگر تعامل داشته، دارای پیوند های مشترکی بوده، در نوعی وابستگی متقابل با یکدیگر بسر برده، مزایای رابطه بر هزینه هایشان

چربش داشته و به واسطه اقدامات و موضعگیری های دولت های خارج از سیستم احساس هویت شان افزایش می یابد.

براین اساس ترکیه و اسرائیل بویژه پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی می توانستند در چارچوب یک خرده سیستم منطقه ای به یکدیگر نزدیک شوند. ترکیه نقش حیاتی خود را برای بلوک غرب و در داخل ناتو از دست داده بود و با وجود تهدیداتی که از جانب همسایگان خود احساس می کرد، احتیاج به متحدین قوی و قابل اعتماد داشت. اسرائیل می توانست این نقش را برای ترکیه بازی کند. عواملی چون ایجاد خلاء ایدئولوژی، خلاء قدرت، تغییر در ژئوپلیتیک منطقه و استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز باعث نزدیکی و همگرایی ترکیه و اسرائیل گردید.

در واقع یکی از راهکارهای ترکیه پس از جنگ سرد برای همسویی با غرب نزدیکی به اسرائیل بوده است (یونسین، پیشین، ۹۶-۹۹) هر دو کشور با تهدیدات منطقه ای مشابهی مواجه بوده و هستند. عراق، سوریه و ایران توانایی تهدید هر دو کشور را دارا بوده و هستند. هر دو کشور تجربه تنش با تمامی همسایگان خود را داشته و دارند که می تواند آنها را به درگیری های دیگری بر سر موضوعاتی چون اقلیت ها، آب و اختلافات مرزی بکشاند و در نتیجه همکاری میان یکدیگر را حیاتی می دانند (سالمن، ۱۳۸۳، ۵۲).

در زیر سیستم منطقه ای منافع مشترک روابط را برای طرفین توجیه پذیر می سازد. منافع حاصل از همکاری های اقتصادی و نظامی، روابط ترکیه و اسرائیل را به وجود آورده و آنها حتی در دوران اسلام گرایان تداوم می بخشند. ترکیه به فناوری نظامی اسرائیل به منظور پوشش مؤثرتر مرز مشکل آفرین اش با عراق، که اکراد جدایی طلب از این مرز با هدف انجام حملات تروریستی، به خاک آن کشور، نفوذ می کنند، نیاز دارد (www.washingtoninstitute.org). ترکیه به دلیل سرمایه گذاری ۲ میلیون دلاری اسرائیل در تجهیزات دفاعی و نظامی ترکیه کماکان به روابطش با اسرائیل ادامه می دهد (www.irdiplomacy.ir).

در عین حال اسرائیل در پس روابط با ترکیه از انزوای اقتصادی خارج می شود و منابع اطلاعاتی مناسبی به دست می آورد، ترکیه نیز از این طریق دانش نظامی خود را تقویت نموده، توانایی کافی برای جمع آوری اطلاعات در منطقه به دست آورده، و به منابع تسلیحاتی پیشرفته دست می یابد (www.torkiye.com). علاوه بر آن سرمایه گذاری بر روی اقتصاد در این منطقه می تواند به طور چشمگیری از تروریسم و رادیکالیسم در منطقه بکاهد و در طولانی مدت به گسترش دموکراسی کمک کند، هر دو کشور ترکیه و اسرائیل از این روند استقبال می کنند.

عوامل سیاسی نیز در نزدیکی دو کشور به یکدیگر دخیل بوده و هستند. ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا و حل مشکل کردها و بحث ارامنه نیاز به نزدیکی به غرب بویژه ایالات متحده دارد. اسرائیل می تواند دروازه ورود ترکیه به غرب باشد. ترکیه به ضرورت استفاده از لابی صهیونیستی در ایالات متحده در مقابل لابی یونانی ها و ارامنه و نیز نزدیکی به اروپا پی برده و از این نظر کماکان به روابطش با اسرائیل ادامه می دهد (www.irdiplomacy.ir). اسرائیل نیز که در منطقه در محاصره دشمنانش قرار گرفته نیاز به متحدی دارد که از فشار و تهدید سیاسی - نظامی آنها بکاهد. این نقش را ترکیه با توجه به جایگاهش در منطقه بخوبی ایفا می نماید. پس از توافقنامه های اسلو در مادرید و از سرگیری روند صلح اعراب و اسرائیل، ترکیه رابطه اش را با اسرائیل شتاب بخشید (یونسیان، پیشین، ۹۹) به این شکل ترکیه ضمن نزدیکی به بازیگران منطقه روابطش را با اسرائیل نیز ارتقاء داده و به بازیگری چند محور تبدیل می شود. در دوران حکومت اسلام گرایان نیز ترکیه میانجی گری بین اسرائیل و سوریه را با هدف پیشبرد صلح بین دو کشور به عهده گرفته و بر وزن سیاسی آن کشور در منطقه افزوده شده است.

در خرده سیستم منطقه ای نقش متغیر بیرونی در نزدیکی و تعامل کشورها نیز حائز اهمیت است. در این راستا ایالات متحده در نزدیکی و همگرایی اسرائیل و ترکیه بسیار

تأثیرگذار بوده و هست. ایالات متحده به عنوان عنصر مداخله‌گر در این سیستم منطقه ای ایفای نقش می‌نماید. علاوه بر لابی قدرتمند صهیونیستی در آمریکا؛ خود آن کشور بنا به دلایل مختلف تسهیل‌کننده روابط ترکیه و اسرائیل بوده است. ایالات متحده علاقمند به نزدیکی ترکیه به اسرائیل به دلیل ایفای نقش آن کشور در فرآیند صلح اعراب و اسرائیل بوده و هست. آمریکا تمایل دارد که نقش میانجی را در صلح میان سوریه و اسرائیل، ترکیه بازی کند (www.chinaview.com).

به غیر از این در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا که پس از ۱۱ سپتامبر در منطقه مطرح شد ترکیه و اسرائیل جایگاه ویژه ای دارند. الگوی مناسب برای آمریکا در منطقه ترکیه است. و آن کشور می‌کوشد با معرفی این الگو و انجام اصلاحات مورد نظر در کشورهای خاورمیانه، اسرائیل را در برابر دولت‌های اسلامی و حرکت‌های بنیادگرای منطقه بیمه کند (sharp,2005,4-6).

به نظر می‌رسد آنکارا در تلاش است که ضمن ارتقای پرستیژ منطقه ای خویش همچنان به عنوان محور و کانون تحولات عرصه دیپلماسی منطقه ای باقی بماند. در واقع ترکیه در پی آن است که به مانند پلی میان منطقه خاورمیانه با اروپا و ایالات متحده ایفای نقش کند. مقامات ترکیه تلاش می‌کنند مدل مناسبی برای حاکمیت مردمی و دموکراتیک در منطقه ارائه نمایند و این امر بعد از قدرت‌یابی اسلامگرایان ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه افزایش یافته است (www.biu.ac.il).

آنچه ترکیه را امروزه به مقام الگوی مدنظر آمریکا برای خاورمیانه ارتقا داده، ریشه در عواملی دارد که ترکیه از مدتها پیش در راستای تحقق آن سرمایه‌گذاری کرده است، عواملی مانند رابطه با اسرائیل. بدون شک گسترش روابط با اسرائیل یکی از خواست‌های بی‌بازگشت آمریکا از کشورهای خاورمیانه ای است (sharp,2005,4-6).

مسئله دیگر، عادی‌سازی چهره اسرائیل در منطقه، در فرآیند دموکراتیزه‌سازی خاورمیانه است، که ترکیه نقش مهمی در آن بازی می‌کند. نکته بسیار اساسی در مورد

اسرائیل، حضور این کشور در سیستم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه است، مسئله ای که ذهن بسیاری از دولتمردان و رهبران خاورمیانه را به خود مشغول داشته است. در هر حال، ادغام اسرائیل در درون سیستم خاورمیانه با حمایت آمریکا و با کمک ترکیه موجب تغییرات اساسی در موقعیت منطقه ای و نقش سنتی این کشور در سیستم می شود.

نتیجه گیری

روابط دو کشور ترکیه و اسرائیل براساس اقدامات اعتماد آفرین بنا شده است. در نتیجه این اقدامات، هر کشوری منافع طرف مقابل را به رسمیت شناخته و نسبت به امنیت و منافع ملی طرف مقابل اهمیت نشان داده است و رویه ها و سازکارهایی را برای جلوگیری از تهدیدات و خطرات نظامی یکدیگر تعبیه کرده اند. علاوه بر این، دو کشور در مواقع ضروری از منافع کوتاه مدت خود برای نیل به منافع بلند مدت صرف نظر کرده اند. عمل متقابل هر کدام از کشورها براساس امتیازی است که از طرف مقابل خود انتظار دارند و توانسته اند با همکاری های نزدیک، رفت و آمد متقابل و مشارکت با بازیگران فرامنطقه ای بحران های به وجود آمده در روابط خود را مدیریت کنند.

ترکیه در مقام طرفدار و مبتکر همکاری منطقه ای می کوشد از وابستگی متقابل به عنوان نوعی ساز و کار اعتماد سازی بهره گیرد که به ایجاد منافع مشترک مربوط به روابط مسالمت آمیز کمک می کند. ترکیه و اسرائیل بازیگران مهمی برای موفقیت همکاری منطقه ای خاورمیانه هستند. هر دو کشور ترکیه و اسرائیل، نگرانی های مشترکی دارند. هر دو کشور خواهان صلح در خاورمیانه هستند تا بتوانند با تروریسم مبارزه کنند. اگر چه ترکیه از سال ۲۰۰۲ توسط اسلامگراها هدایت می شود، اما همچنان روابط سیاسی و اقتصادی اسرائیل و ترکیه حفظ شده است و اردوغان، نخست وزیر اسلامگرای حزب عدالت و توسعه، پس از به قدرت رسیدن، روابط ترکیه با

اسرائیل را همچنان توسعه داده است. دولت ترکیه همزمان رابطه خود را با اسرائیل و فلسطین حفظ کرده است. همچنین نیروهای ترکیه به نیروهای سازمان ملل در لبنان کمک کردند. بعد از اینکه حزب الله و اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶ وارد جنگ شدند، نیروهای ترکیه همراه با دیگر نیروهای بین‌المللی به حفظ صلح کمک کردند. ترکیه همکاری‌های مهمی در حفظ صلح و ثبات در لبنان، همسایه شمالی اسرائیل داشته است. مسئله دیگر، عادی سازی چهره اسرائیل در منطقه، در فرآیند دموکراتیزه سازی خاورمیانه است، که ترکیه نقش مهمی در آن بازی می‌کند.

در انتها باید عنوان نمود که علی‌رغم تنش‌های مختلف در روابط دو کشور ترکیه و اسرائیل بویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، به نظر می‌رسد که دلایل گوناگونی الزام برقراری روابط دو کشور غیر عرب خاورمیانه را در یک خرده سیستم منطقه ای ضروری می‌سازد. تداوم همکاری‌های تجاری و اقتصادی دو کشور نشانگر این الزامات می‌باشد. همکاری‌های نظامی دو طرف (بویژه وابستگی ترکیه به اسرائیل در این زمینه) از دیگر دلایل روابط دو کشور است. واقعیت آن است که روابط آنکارا - تل‌آویو در شرایط جاری در حال گذر از مقطعی است که شرایط بین‌المللی - منطقه ای آنرا ایجاب نموده و بحران‌های موجود را باید از تأثیرات گذرای این موج تلقی کرد. با تغییر اوضاع بین‌المللی منطقه ای بدیهی بود که نوع روابط دو کشور نمی‌توانست همچنان برمبنای ملاحظات گذشته باقی بماند. در حال حاضر نیز آنکارا با درک شرایط جدید و رعایت هنجارهای بین‌المللی سیاست خارجی خود از جمله روابط با اسرائیل را باز تعریف می‌کند تا با رعایت قواعد بازی همچنان در بازی معادلات قدرت سهمی برای خویش بگیرد.

منابع

۱. پالمر، مونتی وسایرین، (۱۳۶۷)، *نگرشی جدید به علم سیاست*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۲. حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۳. دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت، (۱۳۸۴)، *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، ج ۱، چ ۳، تهران، قومس.
۴. سالمن، لورا (۱۳۸۳)، *اسرائیل و موشک ضد موشک آرو*، ترجمه: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۵. شرق، سال هفتم، ۱۳۸۹/۱۰/۲۵.
۶. فرهیختگان، دوره جدید، ۱۳۸۹/۹/۶.
۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*، چ ۳، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۸. کوزه گر کالجی، ولی، (۱۳۸۶)، *کشمکش سکولارها و اسلامگراها در ترکیه؛ جمهوری سرگردان، همشهری دیپلماتیک*، شماره ۱۵، سال دوم، تیرماه.
۹. ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، *ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه ای*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. یونسین، مجید، (۱۳۸۴)، *یهودیان ترکیه و ابعاد روابط ترکیه و اسرائیل*، کتاب خاورمیانه ۲؛ ویژه حضور اسرائیل در مناطق همجوار ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
11. Aras, Bulent, (1998), **Palestinian and Israeli peace process and Turkey**, Commack: Nova science publishers.
12. Beckman, Peter R. (1984), **world Politics in the twentieth Century**, N.J, Prentice – Hall, mc.
13. Bryza, Matthew, (2008), **Invigorating the US-Turkish strategic partnership**, The Washington institute for near east policy, June 27.

14. Cagaptay, Soner, (2005), **The Turkish prime minister visits Israel: Whither Turkish-Israeli relations?**, The Washington Institute for Near East Studies, PolicyWatch No.987, April 27.
15. Carroll, Thomas Patrick, (2004), **Turkeys Justice and Development party: A Model for Democratic Islam?**, Middle East Intelligence Bulletin, Vol.6, No.6-7, June/July.
16. Coulombis, Theodore A., wolfe, James H. (1978), **Introduction to International Relations**, power and Justice, N.Y.prentice-Hall Inc.
17. Easton, David(1965), **A systems analysis of political life**, N.Y.John wiley and sons Inc.
18. Scott, M.Andrew(1967), **The Functioning of the international system**, New York, Macmillan.
19. shankland, David, (2007), **Islam and Politics in turkey: the 2007 Presidential Election and beyond**, International affairs, Vol.83, No.2, November.
20. Sharp, Jeremy M.,(2005), **The Broader Middle East and North Africa initiative: An overview**, CRS report for congress, February 15.
21. Spruyt, H.(1998), **Historical sociology and system theory in international relations**, Review of International political economy, Vol.5, No.2, 1 April.
22. Thompson, R.william(1973), **The Regional subsystem: A conceptual explication and a propositional vent ory**, International studies Quarterly, Vol.17 , No.1, March.
23. Yavuz, M. Hakan, (1998), **Turk-Arab Relations and Palestinian Question**, Istanbul: Der Yayinlari.
24. Yavuz, Hakan, (1999), **Towards an Islamic liberalism?: The Nurcu Movement of Fettullah Gulen**, Middle East Journal 53.
25. Yglesias, Mathew,(2007), **Turkey, Israel and the ADL**, Foreign Policy August24.
26. <http://www.biu.ac.il>.
27. <http://www.chinaview.cn>.
28. <http://www.Cia.gov>.
29. <http://www.dover.idf.il>.
30. <http://www.haaretz.com>.